

گفت‌وگو با لیلی گلستان درباره مجسمه‌سازی معاصر ایران

مردم چیزی رامی‌خرند که بدانند چیست

حافظ روحانی: لیلی گلستان، روزهای پرکاری دارد، مثل همیشه؛ اخیرا داوری نهایی دومین دوره فراخوان هنرهای تجسمی ورسوس را که ویژه مجسمه‌سازان جوان است، پذیرفته. این کار جدا از فعالیت‌های روزمره و همیشگی او؛ اداره‌کردن گالری گلستان، ترجمه و... است. به بهانه پذیرفتن داوری دومین دوره فراخوان هنرهای تجسمی ورسوس که ویژه مجسمه‌سازان جوان است به سراغش رفتیم تا درباره مجسمه‌سازی معاصر ایران با او صحبت کنیم:

۱ شما داوری دومین دوره فراخوان تجسمی ورسوس را که مخصوص مجسمه‌سازان زیر ۳۵ سال است، پذیرفته‌اید. در چندسال گذشته به نظر می‌رسد رویکرد به مجسمه‌سازی رو به بهبود است و این شاخه هنری تا حد زیادی از سو-تفاهماتی که سال‌ها گریبانگیرش بود، رها شده و نگاه هنرم‌ها به آغشته به مفاهیمی خارج از هنر بود، دارد مهربانانه‌تر می‌شود. به نظر تان این روند درست است؟

در حال تعدیل است و چقدر خوب که دارد تغییر می‌کند. وقتی گالری گلستان را باز کردم یکی از اهدافم این بود که مجسمه‌سازی را که خیلی مهجور مانده و حتی از سوسی مجموعه‌دارها هم مورد بی‌توجهی قرار گرفته بود دوباره مطرح کنم. می‌دانستم که اگر نمایشگاه مجسمه بگذارم، خیلی فروش نخواهم داشت، ولی این کار را کردم، چندین نمایشگاه مجسمه برگزار کردم، چندین جوان را معرفی کردم که الان از مجسمه‌سازان معروفمان شده‌اند. درعین‌حال برای مجسمه‌سازان پیش‌کسوت مثل زندها ابرج زند، هرسال نمایشگاه گذاشتم و خیلی برای نمایشگاه‌هایش تبلیغ کردم و خوشبختانه بقیه گالری‌ها هم این لزوم را احساس کردند و آنها هم سعی خودشان را کردند. الان فکر می‌کنم به‌نوعی لاقفل رضایتمندی ما جلب شده چون مجموعه‌دارها مجسمه‌های زیادی می‌خرند. به‌خصوص در نمایشگاه‌های گروهی، وقتی تنوع مجسمه‌ها خیلی زیاد است و از هنرمندان مختلف کار می‌گذاریم، می‌توانند بهتر انتخاب کنند. الان در شهرهای مختلف مثل کیش و مشهد و تهران سمپوزیوم برگزار می‌شود که هنرمندان خیلی مهم خارجی در آنها شرکت می‌کنند. آقای تاتاولی در حراجی‌ها شرکت کرد و این حضور خیلی کمک کرد که این مفهوم را جا بیندازد که مجسمه برگزار کرد، من هم از آن نمایشگاه دیدن کردم و خیلی از کارها خوشم آمد، چون برگزار و شاگردهای خیلی خوبی تربیت کرد که خود آنها الان خیلی موفق هستند و آثارشان خیلی خوب فروش می‌رود. خیلی از مجموعه‌دارها الان به ما، گالری‌دارها، تلفن می‌زنند و می‌گویند که هنرمندان مجسمه‌ساز کار می‌خواهند. اینها به این معنی است که تلاش دسته‌جمعی‌ای که گالری‌دارها کردند دارد نتیجه مثبت می‌دهد. ورسوس هم که سال گذشته اولین نمایشگاه نقاشی‌اش را برگزار کرد، من هم از آن نمایشگاه دیدن کردم و خیلی از کارها خوشم آمد، چون کارها بسیار باسلیقه و درست انتخاب شده بودند. امیدوارم امسال هم که دارد برای مجسمه‌سازان برگزار می‌شود از لحاظ کیفیت بالای کارهای مجسمه به قدرت نمایشگاه سال گذشته باشد.

۲ گفتید حتی مجموعه‌دارها هم در دو، سه دهه گذشته باحتماب به سراغ مجسمه می‌رفتند، اشاره شده که در س‌نت هنری ایران، مجسمه‌سازی نداشته‌ایم. هرچند تاتاولی کوشید تا حدی این نظریه را رد کند، ولی باز هم می‌شد حس کرد که حتی مجموعه‌داران و اهالی جامعه هنر در مقابل خریدوفروش مجسمه احتیاط می‌کردند. این بدبینی از کجا می‌آمد؟ به‌واسطه فقدان سنت بود یا باور حاکم درباره مجسمه‌سازی و التقاط مجسمه به‌عنوان یک اثر هنری با مفاهیم دیگر؟

به‌هرحال در نگاه ما مجسمه مطرود است، ولی کم‌کم تفهیم شده که بهتر است طرد نشود و می‌تواند باشد و بدوش به کسی ضرری نمی‌رساند. اگر یادتان باشد، خیلی از مجسمه‌های شهری گم شدند، چندوقت پیش هم که اصفهان بودم، گفتند که در اصفهان هم این اتفاق افتاده است. با این مجسمه‌ها را آب کرده‌اند و بر بزنش استفاده کرده‌اند یا واقعا عقیده داشتند که مجسمه نباید باشد؛ هنوز نمی‌دانیم چه شده، ولی می‌توانیم این دو حدس را بزنیم. الان فکری می‌کنم که تا حدی این تعصب و درک‌نکردن مجسمه تلطیف شده است. این را بر این اساس می‌گویم که خیلی‌ها از من می‌خواهند برایشان مجسمه بیاورم و آنها هم مجسمه می‌خرند. ما فقط باید سعی کنیم که قیمت‌ها را خیلی بالا نگذاریم، البته که قیمت آثار پیش‌کسوت‌های مثل آقای تاتاولی باید بالا باشد که او هم خریدار خودش را دارد. ولی قیمت آثار جوان‌ها را باید متعادل و منطقی بگذاریم تا خرید مجسمه به عادت تبدیل شود و به خانه‌های مردم برود. وقتی که به خانه‌های مردم رفت، وقتی که خریدش عادت شد، آرام‌آرام می‌توانیم قیمت واقعی‌شان را بگذاریم. الان قیمت‌ها پایین‌تر از قیمت واقعی آن اثر است.

تجسمی



عکس: عقیقه رضوی

کنید، مجموعه «هیج» را که کنار بگذاریم که باز به نظر من فیکوراتیو هستند، مجموعه‌های دیگرشان مثل فرهاد کوهکن فیکوراتیو است. من اینها را آبستره حساب نمی‌کنم، به نظرم کاملا فیکورهای ایرانی هستند. هنرمندی مثل احمد باراحمدی فیکوراتیو کار می‌کند، مرحوم زند فیکوراتیو کار می‌کرد. **۳ مثلا برگزارکنندگان سمپوزیوم مجسمه‌های شهری معتقدند که باید جامعه را خیلی نمی‌توان جز، نگاه عمومی اجتماعی طبقه‌بندی کرد. پس به نظر می‌رسد که در نگاه عامه به مجسمه، هنوز می‌توان شاهد نگاهی بود که مجسمه فیکوراتیو را خیلی نمی‌پذیرد.**

در مجسمه‌های شهری خیلی مجسمه انتزاعی نداریم. در خارج از ایران هم همین‌طور است؛ مثلا در پاریس هم شما مجسمه انتزاعی خیلی کمتر می‌بینید. مجسمه‌ها بیشتر فیکورهایی را نشان می‌دهند که حالا مدرن‌تر شده‌اند. فعلا مردم دارند چیزی را می‌خرند که بداندن چیست و به همین‌خاطر ترجیح‌شان مجسمه فیکوراتیو است. مثل نقاشی آبستره که اول سخت می‌خریدند. من خیلی سعی کردم و نقاشی آبستره نمایش دادم و توضیح دادم، چون مردم داشتند در نقاشی آبستره فیکورهایی را جست‌وجو می‌کردند. من در ۱۲،۱۰ سال اول تأسیس گالری، مدام درباره نقاشی آبستره توضیح می‌دادم ولی مردم دوست داشتند چیزی در تابلوها ببینند و من توضیح می‌دادم که اینها هیچ چیز نیست، فقط رنگ است، شما خورشید می‌بینید، چون دوست دارید خورشید ببینید. الان دیگر این سؤالات را نمی‌پرسند، این یعنی آموزش دیده‌اند و دیگر نمی‌پرسند که این چیست تا من مجبور باشم توضیح دهم که اینها چند لکه رنگی کنار هم است یا از ترکیب‌بندی رنگ‌ها خوشش می‌آید یا نه. اگر خوشش آمده، آن تابلو کارش را با تو کرده. الان دیگر سؤال نمی‌کنند، نگاه می‌کنند، لذت می‌برند و می‌خرند. این برای من خیلی اتفاق مهمی است، البته خیلی برای این اتفاق سعی کردیم، ما داشتیم ۱۵ سال به مردم توضیح می‌دادیم که آبستره یعنی چه.

۴ فضای هنری در طول پنج، شش‌سال گذشته گسترش یافته است. یکی از نشانه‌های آن هم افزایش تعداد جشنواره‌ها، فراخوان‌ها و گردهمایی‌های هنری است. درعین‌حال نهاده‌ا و بنگاه‌های اقتصادی از این نوع فعالیت‌ها حمایت می‌کنند. این حمایت از چه جنبه‌ای است؟
به‌هرحال چون آنها، اسپانسر یک رخداد هستند برایشان صرفه اقتصادی دارد مثلا لوگوی شرکتشان را همه‌جا دیده می‌شود یا محصول‌شان در گوشه‌ای از نمایشگاه عرضه می‌شود و مردم با آنها آشناتر می‌شوند. خیلی مهم است که این کمک‌ها بشود. به نظر من خیلی خوب است آدم‌هایی که در حوزه‌های اقتصادی کار می‌کنند و امکاناتش را دارند به هنرهای تجسمی کمک کنند چون هم خودشان بیشتر شناخته می‌شوند و هم واقعا به ما کمک می‌کنند چون ما هم واقعا برای برگزاری بعضی نمایشگاه‌ها به پول احتیاج داریم ولی امکانش را نداریم.

۵ این سؤال را از این جهت پرسیدم که قرار است شما چند ماه دیگر آثار رسیده به ورسوس را داوری کنید، می‌توانید حدس بزنید که با چه طیفی از آثار مواجه می‌شوید؟

من دوست داشتم قبل از اینکه مرحله اول انتخاب اتفاق بیفتد و به‌اصطلاح کارها را الک کنند، من همه کارها را می‌دیدم، فقط برای کنجکاوی خودم که چه کارهایی شرکت کرده‌اند. در گالری من کار فیکوراتیو خیلی فروش دارد، آبستره هم فروش می‌رود، ولی فروش کارهای فیکوراتیو بیشتر است.

۶ یعنی سلیقه خریداران بیشتر به سمت کارهای فیکوراتیو است؟

بله، بیشتر به سمت کارهای فیکوراتیو است. مثلا به کارهای آقای تاتاولی نگاه

گفت‌وگو با ژینوس تقی‌زاده درباره نمایشگاه «سیم‌کشی روکار»

دویدن در مسیر



که در کارم معرفی می‌شود، راجع به فرایند و مسیر حرف می‌زنند. هدف غایی بردن یک شمع روشن در چشمه‌ای در مسیر باد در فیلم تارکوفسکی، یک هدف ذهنی است مبنی بر اینکه منجر به نجات بشر شود. اصلا مهم نیست به نتیجه‌ای منجر نشود یا نه بلکه مسیر مهم است. این همان مسیری است که ابراهیم در فیلم «کندو» از یک جای شهر می‌رود تا حساب‌هایی را با جامعه‌ای که او را به این مسیر روز انداخته است، صاف کند. مهم نیست که در این مسیر می‌مرد یا نمی‌مرد، پیروز می‌شود یا شکست می‌خورد و... مسیر مهم است. به همین دلیل کل فضای نمایشگاه را طوری شکل دادم که بتوانید کنار من حرکت کنید. هدف خیلی مهم نیست، من اجازه می‌دهم در انتهای این مسیر، دیدگران از خط پایان رد شوند. همان‌طور که شخصیت اسیمت در «تهایی یک دونه دوی اسقامت» دم خط پایان می‌ایستد و اجازه می‌دهد دیگران از خط رد شوند.

تجسمی

بوم خاکستری

«اسید آمینه‌ها» در گالری اثر

شرق: نمایشگاه وحید چمانی با عنوان «اسید آمینه‌ها» از جمعه، ۲۷ آذر در گالری اثر برگزار شد. هفتمین نمایشگاه انفرادی وحید چمانی، هنرمند ۲۹ساله، عضو بنیاد ملی نخبگان ایران و برگزیده هشت رویداد بین‌المللی و داخلی از جمله آرت‌بریج واشنگتن، هنر معاصر مجیک آو پرشیا لندن، هفتمین دوسالانه نقاشی ایران، چهارمین دوسالانه بین‌المللی جهان اسلام، نخستین دوسالانه نقاشی دامون‌فر در گالری اثر برپا شد. درباره این نمایشگاه عنوان شده است: «اسیدآمینه‌ها نقشی است از انسان‌های وامانده میان قدیم و جدید. از مکان‌هایی پربییخ‌وخشم و پُراندرونی، اقلیمی نامعلوم. اسیدآمینه‌ها نقش‌هایی ثابت مانده در زمانی یخ زده‌اند که زندگی‌شان در دستان نقاش و بر یو‌ها و کاغذها در جریان است». چمانی که سال گذشته در نمایشگاه بین‌المللی (آر‌ت‌فر) آرت آنکارا حضور داشته و سال ۱۳۸۹ در گالری کُتُوس نیویورک یک نمایش انفرادی برپا کرده است، آثارش در نمایشگاه‌های دیگری از جمله موزه هنرهای معاصر تهران، گالری لاتوآدا میلان، بافیئو پالاس براتیسلاوا، گالری ویلمسن آمستردام، کالج هنری سلطنتی لندن و... هم ارائه شده است. نمایشگاه اسیدآمینه‌ها تا ۱۸ دی در نگارخانه اثر به نشانی خیابان ایرانشهر، خیابان پرفروشان، روبه‌روی خانه هنرمندان، پلاک ۱۶ ادامه دارد.



۱ نقاشی‌های لاکي
در شرق: نمایشگاه «نقش‌نگاره‌های ماندگار» شامل مجموعه‌ای از آثار نقاشی‌های لاکي و پاییه ماشه از ۲۷ آذر در گالری مس‌نگار برگزار شد. گالری «مس‌نگار» نمایشگاهی را با تمرکز بر هنر نگارگری و نقاشی لاکي با عنوان «نقش‌نگاره‌های ماندگار» برپا کرده که شامل مجموعه‌ای از آثار مسعود خسروی در زمینه نقاشی‌های لاکي و پاییه ماشه است. نقاشی‌های لاکي خسروی با پایبندی به اصالت و پیروی از روش‌های دیرین این فن، نگاه تازه‌ای به این شاخه از هنر دارند. از اوایل دوران صفوی به واسطه آشنایی هنرمندان با فن مقواسازی و خمیر کاغذ (پاییه ماشه)، تجلید کتاب که تا آن زمان با جلدهای چرمی، ضربی و سوختی انجام می‌شد، شکل تازه‌ای به خود گرفت و در دوران قاجار هم این هنر به اوج رسید. هرچند این هنر در سال‌های اخیر بسیار کم‌فروغ شده است، اما مسعود خسروی توانسته، آثاری بیافریند که امروزه کمتر به آن توجه می‌شود. نمایشگاه «نقش‌نگاره‌های ماندگار» که به مدت شش روز در گالری «مس‌نگار» واقع در خیابان ملاصدرا، خیابان شیراز شمالی، کوچه حکیم اعظم، مجتمع پارک پریس، واحد تجاری شد و اثر به ایران بازخواهد گشت. این مهم‌ترین اصل برای ماست. این تضمین را سفارت کشور میزبان در تهران تأیید می‌کند. بعد از آن، وارد سیر مراحل قانونی می‌شویم. مرحله نخست کسب موافقت وزیر است چون تمامی اموال موزه، جزء اموال دولت محسوب می‌شوند و بالاترین مقام اجرایی هر دستگاه که وزیر آن دستگاه است باید آن تأیید کند. پس از گرفتن موافقت‌نامه وزیر، ما باید تضمینی به کمرک جمهوری اسلامی ایران بدهیم مبنی‌بر اینکه این اثر بازخواهد گشت. این تضمین براساس تضمین کشور میزبان و با دستور مساعدتی که از سوی وزیر صادر می‌شود خواهد بود. مدت‌زمان خروج اثر هم در ضمانت‌نامه قید می‌شود. بعد از طی این مراحل، کار از کشور خارج می‌شود.

نقاشی‌های لاکي در گالری‌مس‌نگار

شرق: نمایشگاه «نقش‌نگاره‌های ماندگار» شامل مجموعه‌ای از آثار نقاشی‌های لاکي و پاییه ماشه از ۲۷ آذر در گالری مس‌نگار برگزار شد.

گالری «مس‌نگار» نمایشگاهی را با تمرکز بر هنر نگارگری و نقاشی لاکي با عنوان «نقش‌نگاره‌های ماندگار» برپا کرده که شامل مجموعه‌ای از آثار مسعود خسروی در زمینه نقاشی‌های لاکي و پاییه ماشه است. نقاشی‌های لاکي خسروی با پایبندی به اصالت و پیروی از روش‌های دیرین این فن، نگاه تازه‌ای به این شاخه از هنر دارند. از اوایل دوران صفوی به واسطه آشنایی هنرمندان با فن مقواسازی و خمیر کاغذ (پاییه ماشه)، تجلید کتاب که تا آن زمان با جلدهای چرمی، ضربی و سوختی انجام می‌شد، شکل تازه‌ای به خود گرفت و در دوران قاجار هم این هنر به اوج رسید. هرچند این هنر در سال‌های اخیر بسیار کم‌فروغ شده است، اما مسعود خسروی توانسته، آثاری بیافریند که امروزه کمتر به آن توجه می‌شود. نمایشگاه «نقش‌نگاره‌های ماندگار» که به مدت شش روز در گالری «مس‌نگار» واقع در خیابان ملاصدرا، خیابان شیراز شمالی، کوچه حکیم اعظم، مجتمع پارک پریس، واحد تجاری شد و اثر به ایران بازخواهد گشت. این مهم‌ترین اصل برای ماست. این تضمین را سفارت کشور میزبان در تهران تأیید می‌کند. بعد از آن، وارد سیر مراحل قانونی می‌شویم. مرحله نخست کسب موافقت وزیر است چون تمامی اموال موزه، جزء اموال دولت محسوب می‌شوند و بالاترین مقام اجرایی هر دستگاه که وزیر آن دستگاه است باید آن تأیید کند. پس از گرفتن موافقت‌نامه وزیر، ما باید تضمینی به کمرک جمهوری اسلامی ایران بدهیم مبنی‌بر اینکه این اثر بازخواهد گشت. این تضمین براساس تضمین کشور میزبان و با دستور مساعدتی که از سوی وزیر صادر می‌شود خواهد بود. مدت‌زمان خروج اثر هم در ضمانت‌نامه قید می‌شود. بعد از طی این مراحل، کار از کشور خارج می‌شود.



ادامه در صفحه ۱۲

مکعب سفید

نمایش آثار موزه هنرهای معاصر تهران در آلمان به‌دنبال بیمه‌گذار

آزاده باقری: در پی انتشار خبرهایی مبنی‌بر برگزاری نمایشگاهی از آثار موزه هنرهای معاصر تهران در کشور آلمان به سراغ احسان آقایی، معاون موزه، رفتیم تا در مورد شرایط این نمایشگاه، از شرایط انتقال آثار و بیمه این مجموعه گرفته تا تضمین‌های لازم مبنی‌بر بازگشت آثار به ایران و... پرسیم.

۱ قرار است نمایشگاهی از آثار موزه هنرهای معاصر در پاییز آینده در برلین برگزار شود. آیا مکان برگزاری نمایشگاه، از سطحی برخوردار است که بشود ۳۰ کار درجه‌یک را به آن امانت داد؟
بله. جوی که در ایران در مورد آثار گنجینه وجود دارد، باوجود اینکه این آثار حقیقتا مهمند، بیش از واقعیتیش است. مثلا ما می‌گوییم که یک اثر از «گوگن» داریم با این ویژگی‌ها، ولی موزه اورسی [در فرانسه] ۳۰ اثر از گوگن را به نمایش گذاشته است. اینها هنرمندان غربی‌اند؛ اصل آثارشان آنجاست. قرارداد ما با «بنیاد فرهنگی پروس» است. این بنیاد چیزی مشابه وزارت فرهنگ ایران است، موزه‌ها و مکان‌های هنری دولتی تحت پوششش این بنیاد هستند. آلمان وزیر فرهنگ ندارد. مدیر این بنیاد شانی برابر با وزیر فرهنگ دارد. در کابینه دولت حضور دارد و به صدراعظم آلمان مشاوره‌های فرهنگی می‌دهد. قرارداد ما با «بنیاد فرهنگی پروس» است ولی پیش‌زمینه‌هایش را با مدیران «نشان‌گالری» برلین بستیم. در مورد محل برگزاری نمایشگاه، آنها دو، سه مکان را پیشنهاد کرده‌اند، احتمالا ما (من و مجید ملانوروزی، مدیر مرکز هنرهای تجسمی) به آلمان سفر می‌کنیم و پس از بازدید از این مکان‌ها، تصمیم نهایی را می‌گیریم. ولی آنچه خودشان پیشنهاد کرده‌اند، موزه هنرهای معاصر برلین یا «بانتهوف» است که خیلی هم محبوب‌تر و مردمی‌تر است و مردم بیشتر به آنجا می‌روند چون فضای هنر روز را دارد.

۲ مراکز مهم هنری دنیا، برای هر نمایشگاه از چندسال قبل برنامه‌ریزی می‌کنند، اینکه اعلام شده این نمایشگاه در پاییز سال آینده برگزار خواهد شد. این سؤال را پیش می‌آورد که چگونه در مدت زمانی چنین کوتاه برای برگزاری یک نمایشگاه برنامه‌ریزی شده است؟
شما نباید به زمان عقد قرارداد نگاه کنید؛ مذاکرات ما تقریبا از دوسال‌پنجم قبل از عقد قرارداد شروع شده و پیش‌بینی‌ها انجام گرفته است. قرارداد مربوط به وقتی است که همه‌چیز تمام شده باشد و در نهایت توافقاتی که از پیش به تأیید طرفین رسیده در قرارداد قید می‌شود. گذشته از آن، این مجموعه آن‌قدر مجموعه ارزشمندی هست که هر موزه‌ای حاضر است برایش زمان خالی کند. در این مورد، حتی وقتی که هنوز قرار نمایشگاه قطعی گذاشته نشده بود، طرف مقابل حاضر بود جابه‌جایی لازم را برای این نمایشگاه انجام دهد.

۳ در شرایطی که هنوز تحریم‌ها برداشته نشده است و شرکت‌های بیمه اجازه عقد قرارداد با ما را ندارند، برای بیمه این آثار چه تمهیداتی اندیشیده شده است؟

متأسفانه ما بیمه‌گذار داخلی که بتواند این آثار را بیمه کند نداریم چراکه شرکت‌های بیمه داخلی ما پروتکل‌های جهانی را رعایت نمی‌کنند. بنابراین مجبوریم به سراغ بیمه‌گذاران غیرایرانی برویم. از فوریه ۲۰۱۲ یک لایحه جدید به تحریم‌ها اضافه شد که بیمه آثار هنری را هم شامل می‌شد. تا قبل از آن چنین تحریمی نبود. ما با اروپا کار می‌کردیم و کارها هم بیمه می‌شد. ولی از یک‌سال گذشته و بعد از توافقاتی که صورت گرفت، باوجود اینکه ابلاغیه‌های قانونی نبامده، شرکت‌ها آسان‌تر می‌گیرند و حاضرند این آثار را بیمه کنند. می‌دانید، خیلی از تیم‌های اقتصادی که به ایران می‌آیند، قبل از اجرائی شدن در حال بستن قرارداد هستند. اگر واقعا بیمه‌گذاری وجود نداشته باشد که ما این کار را نخواهیم کرد، دلی قطعا بیمه‌گذار حرفه‌ای این کار وجود دارد. ما هنوز به آن مرحله نرسیده‌ایم.

۴ عنوان شده است که این نمایشگاه مشتمل بر ۳۰ اثر خارجی و ۳۰ اثر ایرانی خواهد بود. نمایش آثار ایرانی، تصمیم موزه هنرهای معاصر تهران بود یا طرف آلمانی؟

تصمیم ما بود. ما می‌توانیم برای امانت‌دادن کارها شرایطی مشخص کنیم. در همه‌جای دنیا به این روال است. ما فکر کردیم که چون این نمایشگاه بیننده بالایی خواهد داشت، بهترین فرصت برای معرفی هنر ایران به دنیاست.

۵ فکر برگزاری این نمایشگاه چطور شکل گرفت؟

طبق درخواست‌های کشورهای اروپایی و با توجه به بازترشدن فضا پس از تغییر دولت و دریافت درخواست‌های جدید از سوی همان کشورها، ما از این گزینه‌های موجود، برای نخستین‌گام برلین را انتخاب کردیم به دو دلیل: یکی اینکه آلمان همیشه، حتی در بدترین شرایط روابط خوبی با ایران داشته و قولشان قول بوده است. مضاف بر اینکه طی سالیان گذشته که ایران در بدترین شرایط تحریمی قرار داشت، هیچ‌وقت فعالیت‌های هنری ما با آلمان قطع نشد. بنابراین این اعتماد را در بین ما ایرانی‌ها به وجود آورده‌اند که بهترین گزینه ما هستند. کارها می‌توانست برای مثال به پاریس برود، ولی پاریس آن‌قدر موزه‌های بزرگ با کارهای فوق‌العاده دارد که چنین نمایشگاهی آن‌قدرها جلب‌توجه و سروصدا نکند.

۶ در خبرها در احتمال فرستادن این مجموعه به آمریکا صحبت شده بود. روابط ایران و آمریکا در ۳۵ سال گذشته دوستانه نبوده و یک نگرانی عمومی برای احتمال مصادره این آثار از سوی آمریکایی‌ها در بین مردم ایران وجود دارد. آیا مدیران موزه نیز به این مسئله فکر کرده‌اند؟

واقعیت این است که ما برای فرستادن این مجموعه به آمریکا برنامه‌ای نداریم. آنها درخواست کرده‌اند ولی ما جوابی ن داده‌ایم و درحال حاضر برنامه‌ای برای فرستادن مجموعه به آمریکا وجود ندارد.

۷ ممکن است آیین‌نامه امانت‌دادن آثار موزه را به طور کامل شرح بدهید؟

در مرحله نخست، کشور میزبان درخواست می‌دهد. پس از موافقت، ما جدای از بحث بیمه، چند چیز را از آن کشور می‌خواهیم؛ یکی بحث تضمین دولت آن کشور است مبنی‌بر بازگشت اثر بی‌قیدوشرط. در سال‌های اخیر ما هر اثری را که امانت داده‌ایم براساس همین تضمین بوده است یعنی دولت آن کشور باید تضمین کند که این کار شامل تحریم‌ها، جریانات سیاسی، دادگاه‌ها و مواردی در این دست نخواهد شد و اثر به ایران بازخواهد گشت. این مهم‌ترین اصل برای ماست. این تضمین را سفارت کشور میزبان در تهران تأیید می‌کند. بعد از آن، وارد سیر مراحل قانونی می‌شویم. مرحله نخست کسب موافقت وزیر است چون تمامی اموال موزه، جزء اموال دولت محسوب می‌شوند و بالاترین مقام اجرایی هر دستگاه که وزیر آن دستگاه است باید آن تأیید کند. پس از گرفتن موافقت‌نامه وزیر، ما باید تضمینی به کمرک جمهوری اسلامی ایران بدهیم مبنی‌بر اینکه این اثر بازخواهد گشت. این تضمین براساس تضمین کشور میزبان و با دستور مساعدتی که از سوی وزیر صادر می‌شود خواهد بود. مدت‌زمان خروج اثر هم در ضمانت‌نامه قید می‌شود. بعد از طی این مراحل، کار از کشور خارج می‌شود.